



1444

بهره



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

این نامه در تاریخ ۱۸/۵/۱۳۸۸  
در تاریخ ۱۸/۵/۱۳۸۸  
در تاریخ ۱۸/۵/۱۳۸۸

دکتر  
دکتر

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ؛

گرایش اسلام

عنوان

نقش ایستارهای قبیله ای اعراب

در گرایش های فرقه ای و مذهبی ایشان در دوران امویان

(با تکیه بر تشیع و خارجی گری)

استاد راهنما

دکتر غلامحسین زرگری نژاد

استاد مشاور

دکتر حسین مفتخری

نگارنده

محمدرضا ابراهیمی

توجه: اطلاعات در این نامه  
تعمیر شده است

۱۳۸۸/۱۱/۶

سال تحصیلی

۸۷-۸۸

۱۳۰۳۲۰

تقدیم بہ پدر و مادر گرامتقدرم

## پاس

### باساس فراوان از

پدر و مادر ارجمند و بزرگوارم که، همواره پشتیبان و مشوق من بوده اند؛  
استاد بزرگ و فرزانه جناب آقای دکتر غلامحسین زرگری نژاد که راهنمایی، و استاد برجسته و وارسته جناب آقای دکتر حسین مفتخری  
که مشاورت، و استاد گرانمایه جناب آقای دکتر محمد حاجی تقی که داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند؛  
استاد عالی قدر جناب آقای دکتر حسنی مدیر کرامی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی و دیگر اساتید فاضل گروه تاریخ به ویژه آقایان  
دکتر الهیار خلعتبری و دکتر قباد منصور، بخت که از محضر آنان بهره برده و راهنمایی جسته ام؛  
خانم خلفی نشی محترم گروه تاریخ و خانمها میر سعید و کاظمی کارمندان محترم دانشگاه؛  
دوستان عزیزم محسن آوندی و جواد نعمتی؛  
و دیگر بزرگوارانی که مراد طول تحصیل و نگارش پایان نامه یاری نمودند...

## چکیده:

زندگی قبیله ای اعراب که مقتضای محیط زیست و تجربه و میراث تاریخی آنان بود بالتبع فرهنگ و ایستارهای مبتنی و ملتزم با چنین شیوه ای از حیات مانند عصبیت قبیله ای، منفعت جوایی فردی و قبیله ای، جنگجویی و غارت، خشونت و سرسختی، سرکشی و آزاد منشی، غیرت و حمیت، غرور و اریحیت و... را در وجود ایشان پروریده و نهادینه کرده بود. پیدایی دین اسلام و مساعی محمد در گسترش و نشر آموزه های آن با مدعای ایجاد تحول فردی و اجتماعی برای نیل به بهروزی دنیوی و اخروی و تشکیل امت واحد در شبه جزیره عربستان اگرچه توانست بسیاری از ایستارهای قبیله ای اعراب را تا حدی و برای مدت زمانی مسکوت و یا در راستای اهداف خویش جهت دهی نماید، اما پس از مرگ او دیگر بار ریشه داری و استواری دیرین آنها در جامعه عربی رخ نمایاند و سرمنشأ تحركات و رقابت هایی - به ویژه بر سر جانشینی - گردید، که در تنازع و تفرق سیاسی و مذهبی مسلمانان نقش اساسی ایفا کرد. به خلافت رسیدن عثمان، و سیره و رویه وی در باب اعطای مزایای گسترده به افراد طایفه و قبیله اش بر خلاف رویه خلفای پیشین، در حالی که اذهان جامعه قبایلی عرب که همواره مستعد همچشمی و نزاع بود با فتح سرزمینهای مهم همجوار و رکود لشکرکشی های گسترده خارجی به مسائل داخلی (از جمله چگونگی بهره برداری از عواید و غنایم جنگی) معطوف می شد، موجبات برانگیزش ایستارهای قبیله ای مسکوت اعراب در کنار ایستارهای جاری و تغییر جهت آن گردید، که در نهایت قتل وی و وقوع نخستین جنگها و اختلافات و انشعابات داخلی و تکون فرقی چون تشیع و خارجی گری در دوران خلیفه پس از او - علی - را به دنبال داشت. خلیفگی معاویه و بنیان یافتن سلسله اشرافی اموی و رویکرد و عملکرد خلفای اموی پس از او بویژه فرزندش یزید، و کینه و رقابت دیرینه بنی هاشم و بنی امیه، انتقال مرکز خلافت از کوفه به دمشق و رقابت قبایل عراق و شام، تشدید اختلافات و رقابتهای قبایل شمالی و جنوبی، تمایلات آزادمنشانه، و درستی و خشونت فکری و رفتاری اعراب به ویژه بدویان و... از معالیل ایستارهای قبیله ای بود، که به جنبشها و گرایشهای متأثر از آن در حالی که در غالب موارد متلبس به ایستارهای دینی گردیده بود، می انجامید. در حالی که امویان به دلایلی چون اختلافات داخلی و روزافزونی خصومت و تعارضات قبایل شمالی و جنوبی در دوران حکومتشان روزگار فترت خود را سپری می کردند، هاشمیان و خوارج با تشریک مساعی و تزریق وسیعتر اندیشه های کلامی به عقایدشان برای دادن رنگ دینی بیشتر به تکاپوها و مبارزات سیاسی خویش بر ضد آنان - که کمتر می توانستند از لحاظ دینی حقانیت و شایستگی خویش را برای احراز مقام خلافت به اثبات برسانند - به مقابله خود شدتی افزونتر بخشیدند، تا سقوط امویان فصل مشترک خویش را رقم زنند. این پژوهش بر آن بوده است تا با تدقیق در روند وقایع و برجسته و تشریح نمودن آنها در راستای موضوع مورد نظر، نقش مهم گرایشها و نگرشهای قبیله ای اعراب را در گرایشهای فرقه ای و مذهبی ایشان روشن تر گرداند.

واژگان کلیدی: ایستارهای قبیله ای، اعراب، امویان، تشیع، خارجی گری

## فهرست مطالب:

### چکیده فارسی

### کلیات پژوهش

مقدمه.....	۱
بیان مسأله.....	۳
پیشینه پژوهش.....	۴
سؤال پژوهش.....	۴
فرضیه پژوهش.....	۵
مفاهیم و متغیرهای پژوهش.....	۵
قلمرو پژوهش.....	۶
روش پژوهش.....	۶
دشواری ها و محدودیت های پژوهش.....	۷
بررسی و نقد منابع.....	۷

### فصل مقدماتی: جوامع انسانی؛ کاراکترهای محیطی، اجتماعی و فرهنگی

۱- جوامع انسانی و کاراکترهای محیطی.....	۱۲
۲- جوامع انسانی و کاراکترهای اجتماعی و فرهنگی.....	۱۴

### بخش اول: شبه جزیره عربستان در آستانه پیدایش اسلام

۱- کاراکترهای محیطی شبه جزیره عربستان و نظام قبیله ای اعراب.....	۲۰
۲- پیدایش اسلام و نقش آن بر ایستارهای قبیله ای اعراب.....	۲۷

بخش دوم: ایستارهای قبیله ای اعراب و نقش آن در گرایشهای فرقه ای و مذهبی

### آنان در دوران خلفای راشدین

- ۱- خلافت ابوبکر..... ۳۶
- ۲- خلافت عمر..... ۴۳
- ۳- خلافت عثمان..... ۴۸
- ۴- خلافت علی..... ۶۱
- الف- جنگ جمل..... ۶۵
- ب- جنگ صفین..... ۷۷
- ج- جنگ نهروان..... ۹۵

بخش سوم: ایستارهای قبیله ای اعراب و نقش آن در گرایش های فرقه ای و مذهبی

### آنان در دوران خلفای اموی

- ۱- دوران سفیانیان..... ۱۰۹
- ۲- دوران مروانیان..... ۱۳۲
- نتیجه گیری..... ۱۴۴
- منابع و مآخذ..... ۱۴۶

چکیده انگلیسی

## کلیات پژوهش

## مقدمه

ویژگی های طبیعی شبه جزیره عربستان سرزمین اصلی اعراب، جنبه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می داد. طبیعت خشک و سوزان و پوشیده از بیابان های گسترده و کمبود منابع (آب، غذا و فضا) باعث گردیده بود تا مردمان آن سامان زندگی بادیه نشینی، یا به قول ابن خلدون «عمران بدوی» داشته باشند و در جدال با طبیعت و هموعان خویش به سر برند.

روابط خویشاوندی و سازمان خانوادگی به شکل نظام قبیله ای از ستون های اصلی جامعه بدوی عربستان بود و حتی آنها که در شهرها زندگی می کردند پیوندهای قبیله ای خویش را کاملاً حفظ کرده بودند و بنابراین نسب در زندگی آنها نقش مهمی ایفا می کرد و به دنبال آن عصبیت ویژه ای که همه افراد پای بند آن بودند - و بدون این احساس همبستگی و انسجام در مواجهه با تهاجمات و خطرهای زندگی بدوی در معرض از هم گسیختگی و اضمحلال قرار می گرفتند - معیارهای اصلی و اساسی در تصمیم گیری های زندگی و عامل تمایز قبایل از یکدیگر می گردید.

برآیند چنین ویژگی هایی جامعه ای بدون دولت و با قدرت مبهم، و در واقع هر قبیله واحد سیاسی - اجتماعی مستقلی بود که رئیس قبیله بر آن حکومت می کرد و افراد قبیله حکومت فردی از قبیله دیگر را نمی پذیرفتند.

تنازع بقا به کمک مفاهیمی چون شرافت به جنگ ها و رقابت های مداوم میان قبایل انجامیده و باعث پیدایش روحیه تند و جنگ طلبانه در میان اعراب گردیده بود که این شرایط به نوبه خود مانع از رشد علمی و فرهنگی اعراب شده و تنها روح ادبی و ذوق شعری آنان - که مدیون روح آزاد بادیه نشینی و لغات بسیار گسترده زبان عربی بود - از این امر مستثنی بود که البته آن نیز در بیشتر مواقع بیانگر مفاخر قبیله ای و طعن و عیب جویی نسبت به دیگر قبایل می شد و به آتش فتنه و اختلاف دامن می زد.



به گفته ابن خلدون به دلیل خوی درشت و گردن فرازی و رقابت و همچشمی، ریاست بر اعراب از دشوارترین کارها بود و از این روی تمایلات ایشان کمتر پیرامون یک امر هماهنگ می گردید، مگر آنکه این خوی های ناپسند ایشان کنترل می شد. با ظهور اسلام در شبه جزیره بسیاری از خوی های ناپسند اعراب به مدد دگرگونی سازمان و نظام اعتقادی، دگرگون و یا برای مدتی کنار گذارده شد؛ اما بسیاری از آنها نیز از جمله ایستارهای بی جا و مفرط قبیله ای که چون هاله ای کاذب پیرامون عصبیت و همبستگی منطقی و منشی را که الزامات محیطی، تجربه های آزموده و دانش ضمنی کنشگران اجتماعی آن سامان، آن را موجه جلوه می داد دربرگرفته بود، ریشه کن نشد و با قدرت به حیات و تأثیرگذاری خود ادامه داد.

رقابت ها و نزاع های برخاسته از چنین نگرش و گروهی که در آغاز اسلام تا حدی روی در نقاب کشیده بود، به ویژه با پایان دوره لشکرکشی های بزرگ و آرام یافتن جنگجویان قبایل و با سیاست هایی که در دوران عثمان و سلسله اموی در پیش گرفته شد، نقاب از رخ برداشت و اینک بسیاری از این رقابت ها و نزاع ها در هیأت و کسوت گرایش های سیاسی و فرقه ای و مذهبی بروز می یافت.

تشیع و خارجی گری از جمله فرقی بودند که ایستارهای قبیله ای اعراب در جریان شکل گیری و گروه بدانها نقشی اساسی بازی می کند. بدین ترتیب در جریان تکوین فرق مختلف اسلامی و گرایش اعراب به هر یک، ایستارهای قبیله ای که به ویژه در آستانه دوران امویان و در طول آن احیاء گردیده و نمود خاصی می یابد، یکی از عوامل مؤثر و درخور تأمل می باشد.

## بیان مسأله

چگونه و تا چه حد ایستارهای قبیله ای اعراب در تکوین فرق مختلف اسلامی و گرایش بدانها از جمله تشیع و خارجی گری در دوران امویان نقش داشته است؟

پیوندهای خویشاوندی در قالب قبیله ستون و پایه اساسی سازمان یافتگی اعراب شبه جزیره عربستان اعم از بدوی و حضری بود. ویژگی های محیطی و خطراتی که از جانب طبیعت و دیگر انسان ها افراد ساکن در این

جغرافیا را تهدید می کرد، پیدایش نظام قبیله ای و استمرار آن را موجه می نمود و عدم تشکیل یک نظام سیاسی فراگیر را سبب می گردید.

تجربه دور و نزدیک کنشگران اجتماعی آن سامان بدانان آموخته بود که برای ادامه بقا زیستن در میان گروه بزرگی از خویشاوندان دور و نزدیک لازم است و نیز برای استحکام و بقای این نظام وجود عصیت و گرایشی خاص نسبت به آن به همان اندازه ضروری است. این شیوه زندگی و فرهنگ و منش شکل گرفته در پیرامون آن، که زمانی آگاهمندانه و متناسب شکل گرفته بود، در طول زمان به خصایص فرهنگی و ذاتی گونه استواری بدل شده بود که حتی با تغییر شرایط و شیوه زندگی، تغییر آن ایستارها را بعید می ساخت.

با ظهور اسلام در شبه جزیره و تشکیل دولت اسلامی اساس تغییر در ابعاد فردی و اجتماعی بر پایه های اخلاقی و فرهنگی نوین و یکپارچگی عقیدتی و سیاسی که بسیاری از ایستارهای قبیله ای را بر نمی تابید، بنیان گذارده شد، اما این ایستارها ریشه دارتر از آن بود که دست کم در آینده ای نزدیک تضعیف شده و رو به افول گذارد.

این ایستارهای کنترل شده، با مرگ محمد پیام آور اسلام جنبش از سرگرفت - ولیکن غالباً در قوالبی چون جانب گیریهای سیاسی، و دعاوی و تفاسیر متفاوت دینی مجال و بهانه بروز و ظهور یافت - به ویژه در جریان اولین جنگ های داخلی مسلمانان در دوران خلافت علی، که به تشخص تشیع و خارجی گری انجامید و نقطه عطفی در این باب بود. تأسیس و سیاست سلسله اموی مانند بهره گیری خلفای اموی به تناوب و فراخور حال از قبایل عرب شمالی یا جنوبی و دامن زدن به جدال و کشمکش میان آنان، روند تشکّل فرق مقابل با قرائت رسمی از اسلام را تسریع و موسّع نمود. این مسأله که در فرایند تکوین فرق مدنظر و گزوش اعراب به آنها ایستارهای قبیله ای آنان تا چه اندازه و به چه شکل - در برابر دغدغه های راستین مذهبی شان - ایفای نقش نموده و مؤثر بوده، نکته مورد توجه است که بدان پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در جستجو برای یافتن پژوهش یا پژوهشهایی که به صورت اختصاصی و مستقل درباره موضوع مورد بحث صورت گرفته باشد اثری یافت نگردید، اما به طور ضمنی و پراکنده می توان در پژوهشهایی چون تاریخ تمدن اسلام (جرجی زیدان)، تاریخ سیاسی صدر اسلام؛ شیعه و خوارج (یولیوس ولهاوزن)، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه (فان فلوتن)، علل شکل گیری خوارج (شکر الله خاکرند)، خوارج در ایران (حسین مفتخری)، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (اصغر منتظر القائم) و ... به مطالب درخوری درباره موضوع مورد پژوهش دست یافت.

### سوال پژوهش

نقش ایستارهای قبیله ای اعراب در گرایش های فرقه ای و مذهبی آنان در دوران امویان و فاکتورهای مهم این امر چگونه بوده است؟

### فرضیه پژوهش

با پیدایش اسلام و بنیان تمرکز سیاسی و عقیدتی در شبه جزیره عربستان برخی از ایستارهای مهم قبیله ای اعراب تا حدی تضعیف گردیده و مسکوت گذارده شد، اما به واسطه ریشه داری و پایداری ساختارهای جامعه قبایلی در میان اعراب، بی درنگ پی از مرگ پیامبر اسلام دوباره رخ نشان داد، و با سیاست های عثمان، جنگ های داخلی در دوران حکومت علی و رویکردها و عملکردهای سیاسی و مذهبی امویان از سویی، و با پیدایی دغدغه های دینی و دنیوی جدید با تحکیم دولت عربی - اسلامی و گسترش قلمرو آن و بهبود اوضاع معیشتی و اقتصادی اعراب، و تبدیل تنازع بقا به تنازع قدرت و ثروت در میان ایشان، از سوی دیگر، احیاء گردید و عاملی مهم در تفرق و تشخیص فرق مختلف اسلامی از جمله تشیع و خارجی گری و گرایش بدانها گشت.

## مفاهیم و متغیرهای پژوهش

مفاهیم عبارتند از:

ایستارهای قبیله ای (منظور، نگرش ها و گرایش های حاکم بر شکل زیست قبیله ای از جمله عصیت قبیله ای و توابع و فروع آن چون حلف، استلحاق، خلع و...، منفعت جویی فردی و قبیله ای، سرکشی و آزاد منشی، خشونت و سرسختی، جنگجویی و غارت، غیرت و حمیت، غرور و اریحیت، حق همسایگی و جوار و ... است)،

اعراب (منظور از واژه اعراب در اینجا تمام عرب ها است و در معنای مصطلح آن به کار رفته و تنها به معنای عرب های بدوی نیست)،

گرایش های فرقه ای و مذهبی (در اینجا تشیع و خارجی گری تا پایان دوران امویان مدنظر و تکیه این پژوهش است)

دوران امویان (منظور از دوران امویان در اینجا دوران نفوذ و قدرت گیری بنی امیه پس از اسلام با به خلافت رسیدن عثمان (۲۴ه.ق) و پیوستن آن به دوران حکمرانی مروثی ایشان با به خلافت رسیدن معاویه (۴۱ه.ق) تا زمان انحطاطشان در سال ۱۳۲ه.ق می باشد)

و

متغیرها عبارتند از:

متغیر مستقل: ایستارهای قبیله ای اعراب

متغیر وابسته: گرایش های فرقه ای و مذهبی اعراب در دوران امویان

## قلمرو پژوهش

قلمرو زمانی این پژوهش به طور اجمالی دوران پیش از اسلام در آستانه پیدایش آن تا مرگ پیامبر اسلام، و به طور اخص از مرگ پیامبر اسلام تا پایان دوران امویان، و قلمرو مکانی این پژوهش شامل شبه جزیره عربستان، عراق، شام و ایران می باشد.

## روش پژوهش

این پژوهش اساساً نظری است و گردآوری و تدوین مطالب آن با روش تاریخی و به صورت کتابخانه ای انجام گرفته است. تنظیم مطالب بر اساس ترتیب زمانی، و سعی بر تجزیه و تحلیل وقایع با نگاهی انتقادی بوده است.

## دشواری ها و محدودیت های پژوهش

دشواری ها و محدودیت های عمده پژوهش کمبود وقت از سویی و گستردگی موضوع و منابع که بخش زیادی از آنها به زبان عربیست، بوده است. از این رو پرداختن شایسته تر به موضوع را مجال دیگری می طلبد.

## بررسی و نقد منابع

در این بخش به معرفی و نقد کوتاه برخی منابع مهم این پژوهش و مؤلف آنها پرداخته شده است:

- الاخبار الطوال، نوشته ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری (د. ۲۸۲ هـ). از بهترین تاریخ نامه های عمومی است که شامل شرح حال پیامبران، پادشاهان ایران، روم، یمن و تاریخ اسلام از دوران خلافت ابوبکر تا پایان عصر معتصم عباسی می باشد. دینوری پس از ذکری از دوران خلافت ابوبکر و عمر و فتح ایران به دست مسلمانان و حوادث ایام عثمان به شرح مفصل دوران خلافت علی، معاویه و یزید و قیام حسین و نزاع های داخلی در قلمرو اسلام و مسائل مربوط به آن پرداخته است. قیام مختار، عبدالله بن زبیر و خوارج و جنگ های مهلب ابن ابی صفره و احوال خلفای مروانی و زمینه های انقراض خلافت آنها و دعوت عباسی از فصول دیگر این کتاب است. دینوری در مکتب عراق تعلیم دیده است. تاریخ نگاری وی به روش موضوعی و بدون

ذکر منابع و سند است. البته در لابلای مطالب خود به نام ۲۱ راوی همچون عبید بن شریبه، شعبی، و هیشم بن عدی اشاره کرده است. دینوری در تاریخ خود به جایگاه قبیله ای افراد کمتر توجه نشان داده است.

- تاریخ الرسل و الملوک، نوشته محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ ه.م) مورخ، محدث، فقیه و مفسر بزرگ، مهم ترین تاریخنامه روایی و سالشمارانه اسلامی است که مشتمل بر تاریخ جهان و اسلام تا آغاز قرن چهارم هجری می باشد. تاریخ طبری با ذکر «حدوث زمان» و آغاز خلقت و داستان آدم شروع شده و زان پس ذکر پیامبران و حوادث ایام ایشان و احوال و اخبار فرمانروایان و دولت های بزرگ به ویژه ایرانیان آمده است. اخبار و اوضاع عربستان پیش از اسلام از بخش های مهم این کتاب است. دوران اسلامی تاریخ طبری از وقایع سال اول هجری به شیوه سالشمارانه آغاز شده و به وقایع سال ۳۰۲ ختم شده است. تاریخ طبری در واقع ترکیبی است از تاریخ وقایع، تراجم احوال، حدیث، تفسیر، لغت، ادب، سیره، مغازی و فتوح که به شکل روایی با سلسله اسناد آن ذکر شده است. طبری برای تدوین کتاب از منابع متعددی استفاده کرده است و در تاریخ خود روش محدثان را در پیش گرفته است یعنی روایات هر حادثه را مستند به طرق روایت آن تا راوی نخستین ذکر کرده است. وی انبوهی از روایات مختلف و گاه متناقض که حاکی از دیدگاه ها و اعتقادات و اخبار رایج میان گروه های سیاسی و فرق مذهبی و مکاتب را در تاریخ خود آورده و متذکر شده که برای حفظ امانت آنچه را شنیده یا خوانده عیناً ذکر کرده و داوری درباره درستی و نادرستی آن را بر عهده خواننده نهاده است. توجه او بیشتر به حوادث سیاسی و نظامی است و کمتر به مسائل اجتماعی و اقتصادی توجه دارد. این کتاب منبع مهم و مشروحی درباره جنگ های دوران پیامبر، فتوحات دوران خلفای راشدین، جنگ های داخلی از جمله صفین، قیام های شیعی و خارجی و رویدادهای دوران خلافت و امویان و ... می باشد.

"تاریخنامه طبری" ترجمه گونه ای از تاریخ طبری به زبان فارسی دری، و منسوب به بلعمی وزیر شهیر سامانیان می باشد که در سال ۳۵۲ ه.ق نگارش یافته و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

- وقعه صفین، نوشته نصر بن مزاحم منقری (د. ۲۱۲ ه.م) اخباری مشهور و صاحب تک نگاری هایی در وقایع مهم صدر اسلام چون واقعه صفین که به شیوه روایی نوشته شده است. کتاب با ورود علی به کوفه و

خطبه وی در آنجا آغاز می شود. تعیین والیان شهرها و عزل بعضی دیگر، سرپیچی معاویه از دستور عزل خود از امارت شام و رایزنی با عمرو بن عاص درباره مقابله با علی، زمینه های بروز جنگ صفین، داستان جنگ و پیامدهای آن، موضع اصحاب پیامبر و بعضی از یاران علی در تمایل به بی طرفی، مخالفت با جنگ، یا طرفداری از علی از نکات مهمی است که در این کتاب آمده است و برای تفحص در احوال سیاسی شام و عراق و هدف معاویه از جنگ و نظریه علی درباره حکومت ذی قیمت است. البته باید به شیعه بودن وی و گرایش های وی در تاریخ پردازی توجه داشت. شایان ذکر است که مورخان بعدی پس از نصر بن مزاحم که درباره صفین مطالبی نگاشته اند از مطالب کتاب وی استفاده کرده اند.

- الطبقات الکبری، نوشته محمد بن سعد (د. ۲۳۰ ه.م) محدث و اخباری و نسب شناس برجسته و از شاگردان واقدی از قدیمی ترین آثار در زمینه طبقات و مشتمل بر تاریخ دو قرن نخست اسلامی به همین شیوه است و از مراجع عمده در احوال صحابه پیامبر و تابعین و نخستین محدثان به شمار می رود. ابن سعد در این کتاب از روایات استاد خود واقدی و کتاب های او به ویژه المغازی، و نیز آثار و روایات بعضی از نخستین راویان و نویسندگان اسلامی بهره جسته است. می توان مطالب سودمندی را در باب تاریخ عرب و اسلام تا اوایل قرن سوم هجری در این کتاب یافت. در میان شرح احوال اشخاص، که در قالب روایات کوتاه و بلند و منفرد آمده است می توان داستان های کاملی را درباره حوادث مربوط به موضوع پژوهش تنظیم کرد. کتاب طبقات چون به نسب اشخاص در آغاز هر شرح حال اشاره کرده گنجینه ارزشمندی در باب انساب قبایل عرب نزاری و یمنی است. این کتاب از منابع اصلی غالب دانشمندانی بوده است که در جهان اسلام در همین موضوع یا شبیه به آن آثاری پدید آورده اند از جمله آنها می توان از بلاذری یاد کرد.

- انساب الاشراف، نوشته احمد بن یحیی بلاذری (د. ۲۷۹ ه.م) مورخ و نسب شناس بزرگ قرن سوم است که درباره تاریخ و انساب تیره های عرب و مشاهیر آنها تا روزگار خودش می باشد. اعراب به دلیل عصبیت و اهمیتی که برای اشرافیت قبیله ای در نظام اجتماعی خود قائل بودند به نسب و تبار خود توجه خاصی داشتند و پس از اسلام نیز بنا به رسم دیرین خود به نسب رو آوردند و انسابیان با استناد به برخی از آیات و روایات بر اهمیت آن تاکید کردند و آگاهی از انساب را دانشی ارجمند و بلند پایه می دانستند. کتاب انساب

الاشراف که از مهم ترین کتب در این زمینه است از آدم آغاز شده و پس از ذکر پیامبران به نسب عرب رسیده و به بررسی انساب عدنان پرداخته و چون به پیامبر اسلام رسیده فصلی مفصل را به سیره او تا رحلت و ماجرای سقیفه اختصاص داده است. پس از آن به اخبار و انساب صحابه و علویان و عباسیان و دیگر تیره های قریش پرداخته و از عبدالمطلب به هاشم و عبدمناف و عبدشمس رسیده و امویان را در بنی عبدشمس ذکر کرده است. سپس از بقیه تیره های مضر یاد کرده تا به قیس و ثقیف رسیده است. بخش مهمی از این کتاب درباره قبایل و جنگ ها و احوال خلفا و امراست. وی درباره یک موضوع روایات متعددی آورده ولی آن روایتی را که به نظرش صحیح است مشخص می کند و روایات دیگر را رد می نماید.

- الفتوح، نوشته ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (د. ۳۱۴ هـ.) از کتاب های مشهور در باب فتوحات است. ابن اعثم از محدثان و مورخان و شعرای شیعی است که باید در استفاده از کتاب او با توجه به گرایش شیعی وی دقت نمود. مطالب کتاب وی شامل حوادث تاریخ اسلام پس از درگذشت پیامبر از ماجرای سقیفه، جنگ های رده، فتوحات، مشروح وقایع دوران خلافت علی، خلافت حسن، خلافت معاویه، قیام حسین و بازتاب آن، خلافت ابن زبیر و مروان بن حکم، رویدادهای زمان مروانین، قیام عباسیان و ابومسلم، تا خلافت معتصم عباسی می باشد. از آنجا که وی در بیشتر اجزاء کتاب خویش به فتوح اسلامی پرداخته است، کتاب به فتوح نامبردار شده است.

- العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی تاریخ العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، نوشته عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (د. ۸۰۸ هـ.) مورخ و نظریه پرداز نامدار قرن هشتم هجری است که به سبب مباحثی که در مقدمه آن طرح کرده، به عنوان بنیانگذار علم عمران و جامعه شناسی شهرتی عالمگیر یافته است. او در این مقدمه، نمونه بارزی از ذهنی منظم و تاریخنگر عرضه کرد که عوامل مادی و معنوی تمدن، روند زندگی اجتماعی و تحلیل پدیده ها و فرایندهای تاریخی را نشان می داد. مقدمه ابن خلدون از بحث و تحقیق در مبانی معنوی و خاستگاه های مادی عمران گرفته تا دقت در روان آدمی و تأثیرتعلیم و تربیت و اصول شناخت علل ظهور و سقوط دولت ها و اقوام را در بر دارد. او کوشیده است وقایع تاریخی را درک و تفسیر کند اما نه فقط با بیرون کشیدن علل جزئی حوادث بلکه از طریق طرح و تدوین



تاریخی علمی و مبتنی بر اصول صحیح نقادی، با مرزبندی قوانین تاریخ و توجه به تطور آن مرتبط با جغرافیای انسانی و مظاهر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی. ابن خلدون اولین بار از نظریه تکامل تاریخی و تأثیر محیط و عوامل اخلاقی و معنوی سخن رانده و تلاش نموده است تا قوانینی برای تحول و تکامل و رکود و سقوط بیابد. از مهم ترین مفاهیم و قوانینی که ابن خلدون بدان اشاره می کند عصیبت است. کتاب العبر مشتمل بر سه کتاب است؛ که کتاب اول همان مقدمه اوست. کتاب دوم درباره اخبار اقوام سامی از آغاز و مطالبی درباره اقوام و دولت های دیگر چون ایرانیان، سریانیان، نبطیان، اسرائیلیان، قبطیان، ترک و روم و کتاب سوم درباره بربران و اقوام و دولت ها و فرمانروایان آنهاست.

## فصل مقدماتی: جوامع انسانی، کاراکترهای محیطی، اجتماعی و فرهنگی

### ۱- جوامع انسانی و کاراکترهای محیطی

در حیطه علم جغرافیا، در آغاز قرن نوزدهم زمان آن فرا رسیده بود که پرسش هایی درباره تأثیری که محیط توانسته بود بر روی جوامع انسانی بگذارد، مطرح شود. در سال ۱۷۵۳، امانوئل کانت فیلسوف که در عین حال یکی از پدران جغرافیای طبیعی نیز محسوب می شد، برای نخستین بار تأیید کرد که «انسان را بدون شناخت محیطش نمی توان شناخت».

با وجود این، استدلال و مکاشفه کانت درباره ارتباط محیط و تاریخ انسان، به صورت روشمند و توسعه یافته، در قرن نوزدهم مطرح گردید. دو جغرافی دان آلمانی، کارل ریتز و فردریش راتزل در رشد و توسعه این تفکر نقش مهمی داشتند.

کارل ریتز (۱۸۵۹-۱۷۷۹) در معروف ترین کتاب خود «جغرافیا و ارتباط آن با طبیعت» به روشنی از وجود این رابطه دفاع می کند و نشان می دهد چگونه محیط طبیعی بر روی هر جامعه تأثیر می گذارد. به نظر او هر ریخت و وضعیت جغرافیایی به هر فرد چهره و سیمایی خاص خود را می بخشد و این همان چیزی است که «تأثیر مقدر طبیعت» بر زندگی انسان ها نامیده می شود.

فردریش راتزل (۱۹۰۴-۱۸۴۴) نیز به دنبال آن بود که دریابد چگونه محیط بر زندگی انسان ها تأثیر می گذارد. وی در کتاب «انسان جغرافیایی» تقسیم محیط را بر حسب «حوزه های فرهنگی» تعیین کرد. او همچنین معتقد بود که مردم «انواعی از زندگی» را به نمایش می گذارند، که به آنها شخصیتی ویژه عطا می کند.

جغرافی دانان بعدی به وسیله نظریه «نوع زندگی» مجموعه ای کامل و سازمان داده شده از اعمال (تکنیک ها، سازمان اجتماعی، دانش و غیره) منطبق با یک محیط جغرافیایی خاص را تعیین می کردند.<sup>۱</sup> این مسأله

۱- دورتی، ژان فرانسوا، علوم انسانی؛ گستره شناخت ها، ترجمه مرتضی کتبی، جلال الدین رفیع فر، ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۳۶۰-۳۵۹

در انسان شناسی بیانی دیگر تحت عنوان «محیط شناسی فرهنگی»، که در پی تحلیل پدیده های فرهنگی به مثابه اشکال انطباق انسان ها با محیط زیست آنهاست، توضیح داده شده است.<sup>۱</sup>

مثلاً مردمانی که در بیابان های خشک زیسته و به دلایلی روشن قادر به انجام کارهای کشاورزی نبوده اند، به نظر می رسد که احتیاج آنها به آب (دست کم ۹ لیتر آب در شبانه روز برای هر نفر و برای رفع نیازهای شخصی و حیواناتشان) مجبورشان کرده که به شیوه کوچ گری زندگی کنند و به صورت گروه های کوچک با توجه به میزان بارش باران در منطقه ای وسیع به صورت پراکنده و سرگردان به حیات خویش ادامه دهند. جنگ های قبایل یا مردمان مختلف نیز به صورت جدال هایی بر سر دست یابی به منابع (غذا، فضا) در محیطی که با کمبود این منابع مواجه اند توضیح داده می شود.<sup>۲</sup>

در ادامه تفکر درباره ارتباط محیط و شیوه زندگی پل ویدال دولابلانش (۱۹۱۸-۱۸۴۵) جغرافی دان فرانسوی از نظریه ای دفاع می کند که «توان گرایی- امکان گرایی» نامیده شده است: تنها کاری که طبیعت انجام می دهد، در اختیار گذاشتن یک سلسله امکانات است اما این انسان ها هستند که انتخاب می کنند. «طبیعت در تمام سطوح امکاناتی را در اختیار می گذارد و این انسان است که از بین آنها انتخاب می کند. جغرافیا پارچه قلابدوزی در اختیار می گذارد و انسان نقش سرنوشت خود را بر روی آن می اندازد.» پس چیزی به نام الزام مطلق در محیط طبیعی وجود ندارد و تنها توان بالقوه انسان است که در این راستا عمل می کند.

در دهه های ۶۰-۷۰ رویکردهای جدیدی در جغرافیا با عنوان «جغرافیای نوین» و «جغرافیای انتقادی» پدیدارشد. در جغرافیای نوین پرسش محوری از تأثیر محیط زیست بر زندگی انسان به مسأله مطالعه مکان های فعالیت انسانی تغییر یافت و بدین گونه مطرح شد که «چرا اینجاست در حالی که می توانست جای دیگری باشد؟» طبق نظریاتی که در این راستا ابراز شده، عدم تجمیع انسان ها در مناطقی خاص و محدود و توزیع آنها در گستره های گوناگون جغرافیایی - علاوه بر محدودیت فضا - ناشی از نوعی «منطق فواصل»

۱- همان، ص ۴۴  
۲- همان، ص ۳۶ و ۴۴

است که نفع فعالیت های اقتصادی را در استقرار متعادل آنها با فواصلی منطقی می داند، که از این رهگذر شبکه پیوندی و ارتباطی منظمی نیز مابین مناطق گوناگون ایجاد می گردد.

جریان فکری معروف به «انسان گرایی» در رویکرد جغرافیای انتقادی که توسط جغرافی دان امریکایی پی- فوتوان مطرح شد به مطالعه سرزمین با تمام سمبل هایش معتقد است. مفهوم «فضای زندگی» در «بیان فرهنگی اش» و مفهوم «مکان» (یا «سرزمین») از جمله مفاهیم محوری در این رویکرد است. نظر زیربنایی آن است که انسان ها نسبت به فضاهایی که در آن سکونت می کنند، تصورات خیالی و دلبستگی های عاطفی به نسبت شدید دارند. سرزمین الزاماً به محلی گفته نمی شود که به مرکز اداری یا فیزیکی مرتبط باشد، بلکه محلی است که برای ساکنین آن قبل از هر چیز یک واحد فرهنگی قوی به شمار می رود.<sup>۱</sup>

## ۲- جوامع انسانی و کاراکترهای اجتماعی و فرهنگی

مطالعه و بررسی زندگی جوامع انسانی معمولاً با تکیه بر سه فرض اساسی آغاز می شود. نخست، از آن روی که جامعه های انسانی بخشی از دنیای طبیعی محسوب می شوند، آنها به صورت های گوناگون تحت تأثیر محیط پیرامون خود قرار می گیرند. دوم از آن جا که جامعه های انسانی بخشی از دنیای طبیعی محسوب می شوند، اعضای آنها، مانند اعضای هر گونه دیگری از جانداران و گیاهان، دارای نوعی میراث ژنتیکی هستند که به طرزی ژرف بر کنش های آنان تأثیر می نهد. سوم، این میراث انسانی، اعضای جوامع بشری- و تنها همان ها را - قادر می سازد که میراث های فرهنگی بیافرینند، و همین ویژگی است که کیفیت های منحصر به فرد زندگی انسانی را پدید می آورد. برای هر جامعه انسانی، محیط پیرامونی دربرگیرنده چیزهایی است مانند خاک، منابع آب و مواد معدنی - آب و هوا، کیفیت زمین، گیاهان، جانوران، و دیگر مختصات سرزمینی که آن جامعه را در خود جای داده است. علاوه بر این، محیط پیرامون هر جامعه انسانی مشتمل بر جامعه های انسانی دیگری هم هست که که اعضای آنها با اعضای جامعه مورد نظر تماس می یابند یا به نحوی از آنها تحت تأثیر قرار می دهند. به دیگر سخن هر جامعه انسانی باید نه فقط با نوعی محیط